

اولین همایش ملی مطالعات نام‌شناسی ایران برگزار شد

اولین همایش ملی مطالعات نام‌شناسی ایران به همت انجمن زبان‌شناسی ایران و با همکاری پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نشر نویسه پارسی، روز چهارشنبه ۱۷ بهمن در سالن حکمت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدا دکتر فاطمه عظیمی فرد دبیر اجرایی همایش با ذکر این نکته که این همایش سی و هشتمین همایش ملی برگزار شده انجمن زبان‌شناسی ایران تاکنون است، به بیان روند دریافت مقالات و پذیرش آن‌ها پرداخت. وی سپس از دکتر بلقیس روشن، رئیس انجمن زبان‌شناسی ایران برای ایراد سخنرانی دعوت به عمل آورد. دکتر روشن پس از تشکر ویژه از حضور دکتر سمایی، مهندس عبدی و دکتر بختیاری، از دبیر علمی این همایش، دکتر بهمن زندی، و دبیر اجرایی به خاطر برگزاری همایش در این حوزه کمابیش مغفول مانده و دارای ظرفیت پژوهشی بالا سپاسگزاری کرد.

ریاست نشست اول را دکتر مصطفی عاصی، استاد زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بر عهده داشت. سخنرانی اول با عنوان «شیوه تلفظ و ثبت اسامی فوتبالیست‌های خارجی» توسط دکتر سید مهدی سمایی، دانشیار پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران ارائه شد. وی با اشاره به وجود تشتت در شیوه تلفظ و ثبت اسامی فوتبالیست‌های خارجی، به نیاز به ایجاد یکدستی در این زمینه اشاره کرد و گفت: اولین فردی که به این موضوع پرداخت، نه ورزشی‌نویس بود و نه فوتبالیست، بلکه یک شاعر بود (سهراب سپهری). سمایی به نقل از خود گزارشگران، بخشی از علت این تشتت را برداشت و سلیقه‌ی متفاوت هر گزارشگر عنوان کرد. مسئله دیگر خط فارسی است. نکته‌ای که از سوی خود گزارشگران پیشنهاد شده است، استفاده از تلفظ بومی نام‌ها است، اما هنوز چنین سیاستی مشاهده نشده است. روش دیگر مدنظر قراردادادن تلفظ انگلیسی است.

در ادامه دکتر بهروز محمودی بختیاری، دانشیار دانشگاه تهران به ایراد سخنرانی خود با عنوان «از «گلدن سیتی» تا «فلسطین»؛ نام‌شناسی سینماهای تهران، پیش و پس از انقلاب اسلامی» پرداخت. بختیاری گفت، سینماهای تهران در پیش از انقلاب درجات مختلفی داشتند و ظاهراً بر اساس همین درجات هم نام‌گذاری می‌شدند. با شروع انقلاب اسلامی نام سینماها تغییر کرد و پس از مدتی الگوی نام‌گذاری آنها هم دچار تغییر شد. این پژوهش به بررسی سیر

تحول این تفاوت‌ها در سینماهای شهر تهران می‌پردازد؛ تا نشان دهد که نوع مخاطبان، درجه و مکان سینما تا چه حد بر نام‌گذاری آن مؤثر بوده است.

دو مقاله نیز به شکل پوستر در این همایش ارائه شد؛ «**سخنی در مورد میترا و مهر: بررسی در زمانی جنس دستوری و زیست شناختی**»، روشنگر آذری دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی، عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان هدف از نگارش این مقاله را بررسی در زمانی تحول واژگان میترا و مهر خواند. کار به صورت تحلیل کیفی انجام و دگرگونی آوایی و ساختی و معنایی واژگان مورد نظر از زبان هندواروپایی به سنسکریت و زبانهای ایرانی باستان و میانه و نو، بررسی شد. تحقیق نشان داد که واژه میترا که به ایزد آریایی و مذکر اطلاق می‌شود، در ورود به دوره زبانهای ایرانی میانه، بر اثر تحولات آوایی، تبدیل به واژه مهر می‌شود و علاوه بر معنی ایزد و دوستی و پیمان، معنای خورشید را نیز می‌گیرد. اینکه چرا در فارسی نو، میترا برای نامیدن دختران بکار می‌رود، در ادامه مقاله و با مقایسه کاربرد واژه در زبان هندی به بحث گذاشته شد. همچنین با استفاده از یافته‌ها تأکید شد که کاربرد شاخص «الهه» یا «ایزدبانو» برای واژه میترا نادرست است.

«**نام‌گذاری شاهزادگان ایرانی، شاخصی از توجه به هویت ملی؛ بررسی نام‌گذاری شاهزادگان چهار سلسله متأخر به‌مثابه معیاری از توجه به هویت ملی**»، مقاله پیام شمس‌الدینی دانشجوی دوره دکتری ایران‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی (با همکاری بنیاد ایران‌شناسی) بود که به شکل پوستر ارائه شد. پرسش اصلی این پژوهش این بود که چگونه می‌توان در میان این نام‌گذاری‌ها جنبه‌هایی از آشنایی و توجه به مبانی هویت ملی را جست‌وجو کرد؟ در این پژوهش نام‌گذاری شاهزادگان چهار سلسله متأخر به‌مثابه معیاری از توجه به هویت ملی بررسی شده است. در پایان روشن شد این باور که نام‌گذاری شاهزادگان ایرانی بیانگر روند فزاینده‌ای از توجه به مبانی هویت ملی باشد، نادرست است و شاهان ایرانی چهار سلسله متأخر در نام‌گذاری فرزندانشان بیشتر به ارزش‌های اسلامی و شیعی توجه داشته‌اند.

پس از زمانی که به استراحت و پذیرایی و نمایش پوستر اختصاص داده شده بود، نشست دوم همایش به ریاست دکتر زندی آغاز شد که در واقع میزگردی با موضوع نام‌گذاری فرزندان از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی بود. به گفته وی آرایف بیشترین پژوهش را در این حوزه انجام داده است. این پژوهش‌ها عموماً دو هدف را دنبال می‌کنند؛ اهداف زبان‌شناختی خرد (ساخت آوایی، هجایی، صرفی)؛ اهداف زبان‌شناختی کلان (نام‌گذاری در یک شهر یا منطقه). با این وجود این تحقیقات شکل پراکنده‌ای دارند و برنامه مطالعات جامعی در خصوص نام‌شناسی

اشخاص وجود ندارد. این همایش راهبردی برای رفع این مشکل است. زبان‌شناسی اجتماعی این توان را دارد که بحث نام‌شناسی را به پیش برده و در این زمینه وحدت‌بخش باشد. این شاخه به دنبال مهندسی نام‌گذاری نیست بلکه کاری صرفاً توصیفی را انجام می‌دهد. راهبرد دیگر ترکیب اهداف خرد و کلان است. وی در ادامه به طرح پرسش‌هایی پرداخت و از مهندس عبدی دعوت کرد ضمن ایراد سخنرانی به این پرسش‌ها نیز پاسخ دهد. عبدی با بیان اینکه پژوهش‌های جزئیاتی را به ما نشان می‌دهد که در جامعه از دید مغفول مانده است، با اشاره به پژوهش‌های خود که بخشی از آن بررسی نام‌گذاری از سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ و از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۴ بود، حرکت به سمت گرایش‌های رقیق فرهنگی را از مشاهدات خود عنوان کرد.

پس از ساعتی که به نماز و صرف نهار اختصاص یافته بود، نشست بعدی به ریاست دکتر سمایی آغاز شد. سخنرانی اول با موضوع «**نام‌های تجاری فارسی و راهکارهای جذب مشتری**» توسط فاطمه اکبری، دکترای مطالعات ترجمه/روابط بنیافرهنگی، دانشگاه وین ارائه شد. در این مطالعه، نام فروشگاه‌های مواد خوراکی و رستوران‌های ایرانی وین مورد بررسی قرار می‌گیرد تا دریابیم صاحبان این کسب و کارها در نامگذاری واحدهای تجاری خود با استفاده از کدام شیوه‌های ساختواژی و معناساختی سعی در ساخت نام مناسب و جذب مشتری از آن طریق داشته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که نام‌های فارسی که با ساختاری ساده به جغرافیای ایران یا افراد و اسطوره‌های ادبی یا تاریخی آن اشاره دارند یا برای نامیدن اشخاص معمولی به کار می‌روند از محبوبیت چشمگیری برخوردارند.

در ادامه بهداد بیرانوند، دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زنجان به ارائه مقاله مشترک خود با دکتر محرم اسلامی، دانشیار دانشگاه زنجان، با عنوان «**تبیین نامگذاری پسران فریدون در شاهنامه فردوسی**» پرداخت. در لابه‌لای داستان‌های شاهنامه فردوسی، داستان نامگذاری پسران فریدون، موردی شگفت‌انگیز و از نظر چارچوب داستان‌های اسطوره‌ای و تاریخی، نمونه‌ای کم‌نظیر است. این پژوهش ضمن بررسی معنای نام‌های پسران فریدون در شاهنامه فردوسی، به سراغ گویش لکی، به‌عنوان یکی از زبان‌های ایرانی نو، رفته است و علاوه بر معنای تازه‌ای که برای این نام‌ها ارائه می‌دهد، شیوه نامگذاری را در این داستان بر اساس این فرهنگ دیرینه‌سال واکاوی و دلایل نامگذاری پسران فریدون را که در داستان مغفول مانده است، تبیین می‌کند.

مقاله بعدی با عنوان «**پرکاربردترین اسامی دختران و پسران متولد ۱۳۹۱ ایران: تحلیلی واج‌شناختی**» توسط محمد باقر میرزایی حصاریان، استادیار گروه آموزش زبان فارسی دانشگاه

بین‌المللی امام خمینی(ره) ارائه شد که کار مشترکی با عالییه کرد زعفرانلو کامبوزیا ، دانشیار گروه زبان شناسی دانشگاه تربیت مدرس بود. به گفته وی برای این منظور ۱۰۰ نام پرکاربرد دختران و پسران متولد سال ۱۳۹۱ از هر یک ۵۰ نام به عنوان پیکره پژوهش، مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا توصیفی از نظام واجی زبان فارسی ارائه گردیده و سپس اسامی پرکاربرد انتخابی به لحاظ نوع، فراوانی و توزیع رخداد واج‌ها به صورت کلی و نیز در جایگاه هسته آغازین و پایانی اسامی توصیف و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که: اولاً هر گروه از اسامی مورد مطالعه ویژگی‌های واج‌شناختی خود را دارد که در برخی موارد مشابهت‌ها و در اکثر مواقع تفاوت‌های قابل توجهی دارند؛ ثانیاً تفاوت در ویژگی‌های واج‌شناختی نه تنها در بین دو گروه اسامی بلکه در هر گروه از اسامی با مقایسه واج‌های به‌کاررفته در جایگاه‌های هجای آغازین و پایانی دیده می‌شود.

پس از دقایقی استراحت، نشست پایانی به ریاست دکتر روشن آغاز شد. ابتدا آبتین گلکار استادیار گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس مقاله مشترک خود با شهرام مومنی نوکنده

دانشجوی دکتری گروه زبان روسی دانشگاه تربیت مدرس با عنوان « بررسی وجوه تسمیه و الگوهای زبان‌شناختی نام‌گذاری خیابان‌های اصلی تهران در دوره‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی» را ارائه کرد. ریزجاینام‌شناسی دانشی است که به بررسی زبان‌شناختی فرایند ساخت نام‌های خاص برای اماکن خرد، از قبیل واحدهای صنفی و خدماتی شهری، و کلاً جاینام‌هایی است که معمولاً، به دلیل کوچک بودن، در چارچوب جای‌نام‌شناسی سنتی قرار نمی‌گرفتند. در این مقاله کوشش شده است یکی از گروه‌های مهم ریزجای‌نام‌های شهر تهران، یعنی نام خیابان‌های آن، در دو دوره تاریخی پیش و پس از انقلاب اسلامی، هم از لحاظ الگوهای نام‌گذاری و هم از منظر ویژگی‌های ساختوازی، بررسی و با هم مقایسه شود.

مقاله پایانی با عنوان « جای‌نام‌شناسی زیست‌محیطی: یک الگوی نوین رده‌شناختی» توسط مهناز طالبی دستنایی، دانشجوی دکتری رشته زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا ارائه شد که کار مشترکی با فریبا قطره، استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا و حمیده پشتوان، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی دانشگاه الزهرا بود. زبان‌شناسان زیست‌محیطی چون مولهاسلر بر این باورند که زبان با جهان و محیط اطراف ارتباط تنگاتنگ دارد؛ بدین معنی که هم زبان جهان را می‌سازد و هم محیط اطراف ما زبان را می‌سازد. در پژوهش حاضر چارچوب مطالعاتی تنت و بلر (۲۰۰۹، ۲۰۱۱) در بررسی رده‌شناختی معنایی زیست‌محیطی جای‌نام‌ها و مفاهیم پایه این رده‌شناسی با مثال‌هایی از جای‌نام‌های خط ساحلی بوشهر توصیف می‌شود.

نتیجه آن که چارچوب رده‌شناختی ANSP قابلیت تعمیم به جای‌نام‌های برگزیده از خط ساحلی بوشهر را دارد و این امر می‌توان نقطهٔ آغازی بر پژوهش‌های رده‌شناختی جای‌نام‌های ایران در چارچوب زبان‌شناسی زیست‌محیطی باشد.

در پایان همایش، دکتر زندی، دکتر روشن، دکتر اسلامی و دکتر یحیی مدرس‌ی مراسم اختتامیه را برگزار کردند. دکتر مدرس‌ی با مسئله‌مندخواندن این حوزه و تشکر از برگزارکنندگان برای برگزاری چنین همایشی، چشم‌انداز این حوزه را روشن توصیف کرد و این همایش را گامی مقدماتی در جهت کارهای آتی دانست.

در نهایت شرکت‌کنندگان و دست‌اندرکاران با گرفتن عکس یادگاری به این همایش پایان دادند.

نگارنده

ریحانه منظوری